

## سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان

### میثم ویسی<sup>۱</sup> و دکتر رشید قدیری<sup>۲</sup>

۱ دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران

۲ عضو هیأت علمی دانشگاه شهرکرد، ایران

#### چکیده

پیشگیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان به عنوان نخستین مصداق حمایت در زمینه کاهش خشونت علیه کودکان و نوجوانان و همچنین جلوگیری از تکرار خشونت بر این گروه از افراد جامعه که چنین تجربه تلخی دارند، دارای اهمیت فراوانی است؛ زیرا این گروه آسیب پذیرترین عضو جامعه هستند که سلامت روان و جسم آنان، ضامن تعالی کشور است؛ وقتی همین اطفال مورد خشونت قرار می گیرند، اثرات منفی بر طفل و جامعه خواهد داشت. خشونت در قبال اطفال می تواند دارای عوارض جسمی، جنسی و روحی را به دنبال داشته باشد. افزایش این پدیده در خانوادهها و لزوم حمایت از آسیب پذیرترین گروه اجتماع، بررسی این پدیده و اتخاذ راهکارهایی برای پیشگیری از آن را ضروری می نماید. با این وجود، بحث پیشگیری از خشونت علیه کودکان و نوجوانان در قالب سیاست های جنایی از موضوعاتی است که چندان مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا در این پژوهش با اتخاذ رویکرد کتابخانه ای و به شیوه توصیفی-تحلیل به کنکاش در زمینه سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان پرداخته شده است. مطابق با بررسی های انجام شده در پژوهش حاضر، می توان اذعان کرد که اقدامات مقنن در پیشگیری از خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی ایران؛ عمدتاً ناظر به پیشگیری کیفری بوده است؛ قانونگذار البته به صورت پراکنده و غیر منسجم در حوزه های مختلف اقدام به جرم انگاری کرده و مصادیق مختلفی از خشونت علیه کودکان را مورد مجازات قرار داده است. آن چه بیش از پیش ضرورت آن احساس می شود، انجام تغییرات و اصلاحات اساسی در حوزه قانونگذاری به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی پیشگیرانه هماهنگ، منسجم و افتراقی در راستای جلوگیری از خشونت های جنسی، جسمی و روانی اطفال و نوجوانان بزه دیده است.

**واژگان کلیدی:** سیاست جنایی پیشگیرانه، خشونت، اطفال و نوجوانان

## مقدمه

در عصر حاضر، کودکان و نوجوانان قربانیان مستقیم زلزله در بنیان خانواده ها، افزایش آمار طلاق، اعتیاد، فقر و بیکاری هستند که نمودهای آن به صورت کودک آزاری، خشونت های جسمی، جنسی، روانی، کودکان خیابانی، کودکان فراری، فروش اعضای بدن کودکان، استثمار کودکان کار و سوء استفاده های جنسی از کودکان بروز کرده است. رفتار خشن با کودکان و نوجوانان نه تنها شامل آزار جسمی به انحای مختلف می شود بلکه آزارهای روحی روانی کودک و هر آنچه موجب تضییع حقوق او را فراهم کند در برمی گیرد. بنابراین، امروزه یکی از دغدغه های جرم شناسان، رشد فزاینده اشکال مختلف خشونت علیه کودکان و نوجوانان است؛ موضوعی که هر از چندگاهی به اشکال مختلف جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد. این در حالی است که رشد و پیشرفت و سلامت جامعه مرهون توجه به نیازهای کودکان و نوجوانان می باشد. گزارش های تکان دهنده ای که درباره خشونت علیه کودکان و کودک آزاری و غفلت از آنان در مطبوعات و رسانه های گروهی منعکس می شود، سازمان های متولی امور کودکان و نوجوانان را به تفکر جدی در مورد این پدیده و بررسی راه های پیشگیری و درمان آن واداشته است. خشونت علیه کودکان و نوجوانان به اشکال مختلفی از جمله خشونت از طرف پدر و مادر، ناپدری و نامادری، خواهر و مادر ناتنی، خشونت جنسی، به کار واداشتن و استثمار کودکان و نوجوانان و ... بروز می کند. در این بین، موثرترین شیوه برخورد با پدیده خشونت علیه کودکان و نوجوانان، پیشگیری از شیوه این پدیده و کاهش درصد موارد آن است.

یکی از روش های پیشگیری از جرم، سیاست های جنایی پیشگراانه است. در بیان ضرورت سیاست گذاری پیرامون جرم شناسی پیشگراانه پیشگیری از جرم همین بس که بر اساس بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۸ خبرگان قانون اساسی در آن تاریخ، به بحث پیشگیری از جرم توجه داشته و بسترهای سیاست گذاری و فرا تقنینی آن را فراهم کرده اند. به طور کلی مفهوم سیاست جنایی از ابتدا تا اکنون به دو صورت متفاوت، از مضیق شروع شده و با رویکرد موسع به اوج رسیده است. آغازگر این اندیشه در سال ۱۸۰۳ میلادی، فویر باخ پروفسور آلمانی است که با به کار بردن اصطلاح سیاست جنایی در کتاب حقوق کیفری خویش، برای اولین بار این اصطلاح را وارد قلمرو حقوق کیفری نمود، از دیدگاه او سیاست جنایی، شامل مجموعه شیوه‌هایی سرکوبی می‌شود که دولت از طریق آن‌ها و با توسل به آن‌ها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (دلما-مارتی<sup>۱</sup>، ترجمه نجفی ابرند آبادی، ج ۱، ۱۳۸۱: ۲۳) با توجه به مولفه‌های تعریف فوق از یک سو و گستردگی قلمرو حقوق کیفری از سوی دیگر، باعث شده است که امروزه، به برداشت فویر باخ از سیاست جنایی، تعبیری مضیق یا به اصطلاح همان سیاست کیفری در معنای خاص، اطلاق گردد. چرا که سیاست جنایی در تفکر فویر باخ: تدبیرها و اقدام‌ها، عمدتاً ماهیت قهر آمیز و تنبیهی دارد. پاسخ‌های این رویکرد سیاست جنایی، علاوه بر پاسخ‌های سرکوبگرانه کیفری و غیر کیفری، شامل اقدام‌ها و پاسخ‌های خاص پیش‌گیرانه در برابر جرم و انحراف نیز می‌شود (لازرژ<sup>۲</sup>، ترجمه نجفی ابرآباندی، ۱۳۹۶: ۱۶). پیشگیری در مفهوم واکنشی یا پیشگیری کیفری یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای کنترل جرم است که اصولاً در انحصار دولت قرار دارد و به جامعه مدنی واگذار نمی‌شود و دولت‌ها با جرم‌انگاری رفتارهای نقض‌کننده نظم عمومی و پیش‌بینی کیفرهای گوناگون برای این رفتارها به مبارزه با بزهکاری و پیشگیری از جرم می‌پردازند.

بررسی سیر تاریخی تقنینی سیاست پیشگراانه از خشونت علیه اطفال و نوجوانان در حقوق ایران موید این است که قانونگذار در سال های متمادی که از تصویب اولین قانون کیفری می گذرد با توجه به نیازی که احساس می شده کم و بیش مقرراتی را وضع نموده و اطفال و نوجوانان را در مقابل ارتکاب جرایم خاص علیه آن ها هر روز بیش از پیش مورد حمایت قرار داده است. اما واقعیت های اجتماعی موجود نشان می دهد که جهت پیشگیری از خشونت علیه اطفال و نوجوانان، اتخاذ سیاست های پیشگراانه و کنشی کوتاه مدت و بلندمدت در کنار قوانین حمایتی و تدابیر واکنشی حتمی و ضروری است؛ چرا که بسیاری از موارد خشونت علیه اطفال و نوجوانان دارای علل روان شناختی است و در نتیجه تنها اعمال قانون و کیفر راهگشایی امر نخواهد بود.

1 - Delmas-Marty

2 - Lazerges

افزایش پدیده خشونت علیه اطفال در جامعه و لزوم حمایت از آسیب پذیرترین و بی پناه ترین گروه اجتماع، بررسی این پدیده و اتخاذ راهکارهایی برای پیشگیری از آن را در سیاست جنایی ضروری می نماید. هدف از نوشتار پیش رو، بررسی سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان می باشد. در این نوشتار، مسئله اصلی چگونگی پیشگیری سیاست جنایی ایران از خشونت علیه اطفال و نوجوانان می باشد. با شناسایی و ارائه راهکارهای مناسب پیشگیری، می توان امیدوار بود که شیوع این پدیده کاهش یافته و کودکان سالم امروز، فردایی بهتر را برای کشور رقم بزنند؛ تمرکز اصلی راهبردهای مداخله ای، جستجوی برنامه های پیشگیری از بدرفتاری با کودک مبتنی بر چارچوب های سبب شناختی خشونت های خانوادگی هستند.

## تعریف اصطلاحات

### ۱. پیشگیری

تعریف لغوی: پیشگیری از لحاظ لغوی به معنی «جلوگیری» و «دفع» آمده است و پیشگیری کردن یعنی «مانع شدن» (معین، ۱۳۸۹: ۹۳۳) که با مفهوم اصطلاحی آن در علوم جنایی هماهنگی دارد.

تعریف اصطلاحی: در معنی علمی و اصطلاحی عبارت است از؛ مجموعه اقدام های سیاست جنایی به استثنای اقدام های کیفری که غایت و هدف انحصاری یا لاقال جزئی از آن اقدامات، محدود کردن امکان وقوع مجموعه ای از جرایم باشد (نجفی ابرندآبادی؛ ۱۳۷۸: ۷۵۳). پیشگیری به طور کلی به دو صورت، پیشگیری کیفری (قهرآمیز، واکنشی) و غیر کیفری (غیر قهرآمیز، کنشی) انجام می شود.

پیشگیری واکنشی یا کیفری: پیشگیری واکنشی که از نظر ماهوی اقدامی، پسینی است، پس از ارتکاب رفتار مجرمانه با استفاده از ابزارهای کیفری از رهگذر نظام عدالت کیفری اعمال می شود. این پیشگیری بر اساس اثری که بر جامعه و یا فرد بزهکار می گذارد، به دو گونه «پیشگیری واکنشی عام» و «پیشگیری واکنشی خاص» تقسیم می شود. پیشگیری واکنشی عام یک پیشگیری واکنشی جمع مدار یا گروه مدار است که با مخاطب قرار دادن شهروندان از طریق رعب انگیزی و عبرت آموزی جمعی، به دنبال پیشگیری از بزهکاری نخستین افراد است. پیشگیری واکنشی خاص یک پیشگیری واکنشی مجرم مدار است که با اعمال کیفر بر فرد بزهکار و با رعب انگیزی و عبرت آموزی فردی، درصدد پیشگیری از بزهکاری دوباره افراد است (نیازپور، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰). به طور کلی، پیشگیری واکنشی یا کیفری، ناظر به اقدام کیفری قبل و بعد از وقوع جرم است که با بهره گرفتن از ساز و کارهای نظام عدالت کیفری درصدد کاهش نرخ بزهکاری است. رهیافت پیشگیری واکنشی، ارباب انگیزی فردی، جمعی و عبرت آموزی می باشد تا از بزهکاری نخستین و بزهکاری دوباره افراد جلوگیری کند (عباچی، ۱۳۸۳: ۶۳).

پیشگیری کنشی یا غیر کیفری: پیشگیری غیر کیفری عبارت است از: «جلوگیری از به فعل در آمدن اندیشه مجرمانه با تغییر دادن اوضاع و احوال خاصی که یک سلسله جرایم مشابه در آن به وقوع پیوسته یا ممکن است در آن اوضاع و احوال ارتکاب یابد». به عبارتی دیگر، پیشگیری غیر کیفری درصدد است تا عوامل و ریشه های زمینه ساز بروز جرایم و بزهکاری را از راه توجه به مسئله کنترل اجتماعی و تأثیر بر افکار مجرمانه از بین ببرد؛ به طوری که انسان هایی پرورش یابند که از جرم به دور باشند. در این نوع پیشگیری، توجه به عواملی محیطی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی که باعث سوق دادن فرد به سوی بزهکاری می شوند دارای اهمیت فراوان است. پیشگیری غیر کیفری، در حقیقت درمان ریشه ای قبل از وقوع جرم است؛ که در آن راه کارها خارج از چارچوب دستگاه عدالت مورد بررسی قرار می گیرند. این پیشگیری که در مقابل پیشگیری کیفری قرار دارد را گاهی «پیشگیری جدید» نیز می نامند. این پیشگیری، مصداق ضرب المثل معروف: «علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد»، می باشد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۴۱ و ۴۰).

### ۲. تعریف خشونت علیه کودکان و نوجوانان (کودک آزاری)

از دیدگاه روانشناسی کودک آزاری به اشکال گوناگون رفتاری اطلاق می شود که منجر به آزار جسمانی، روانی، عاطفی و ذهنی کودک شده و در مراحل رشد طبیعی و سلامت کودک اختلال ایجاد نماید. کودک آزاری به شیوه های متفاوتی از جمله: اذیت و آزار کودکان بوسیله پدر و مادر، نا پدری و نا مادری، خواهر و برادر ناتنی، تجاوزات جنسی به کودک، به کار واداشتن و

استثمار کودک و تبعیض جنسی قابل شدن میان فرزندان تجلی می یابد (پورناجی، ۱۳۷۹: ۱۵). پروفیسور دیوید جیل آمریکایی، کودک آزاری را کلیه رفتارها و اعمال غفلت آمیز مردم، نهادها و کل جامعه می داند که باعث محرومیت کودکان از حقوق خویش گردیده و یا در روند رشد شایسته و مقتضی آنها اختلال ایجاد نماید (شعبانی، ترجمه ضرغام و موسوی، ۱۳۶۹: ۱۲۵).

به موجب قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۲ مجلس شورای اسلامی، هر گونه آزار و اذیت کودکان و نوجوانان که موجب ایراد صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی به کودک شده و سلامت جسمانی یا روانی کودک را به خطر اندازد ممنوع و مستوجب تعزیر می باشد. در این قانون موارد کودک آزاری را مشمول موارد نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمانی کودک، هرگونه آسیب و شکنجه جسمی و روحی، سوء استفاده از کودکان برای قاچاق، خرید و فروش کودکان و هرگونه بهره کشی و به کارگیری آنان به بهانه تامین معیشت، ممانعت از تحصیل و هر گونه تبعیض که منجر به صدمه روانی یا توقف رشد طبیعی کودک گردد و اعمالی از این قبیل که سبب سلب آزادی های شرعی و قانونی شود، قرار داده است.

### ۳. تعریف انواع خشونت علیه کودکان و نوجوانان

خشونت علیه کودکان و نوجوانان به سه دسته خشونت جسمی، جنسی، روحی - عاطفی تقسیم می شود.

**خشونت جسمی:** خشونت جسمانی، فعل آگاهانه و ارادی مرتکب به قصد آسیب، صدمه جسمانی و ایجاد درد جسمانی بر قربانی است (نورالدین، ۱۳۸۶: ۱۷). مصادیق این خشونت از ضرب و جرح ساده تا قطع عضو و قتل کودک را در بر می گیرد، که از نوع اخیر و وحشیانه خشونت های بدنی از اصطلاح خشونت سخت نیز نام برده اند (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۳).

**خشونت جنسی:** آزار جنسی یکی از بدترین انواع آزار و خشونت علیه کودکان، بلکه شوم ترین و اسفناک ترین آنها می باشد که گاه از آن به خشونت جنسی نیز تعبیر می شود. منظور از آزار جنسی کودک، درگیر نمودن او در فعالیت هایی است که برای ارضاء جنسی افراد بزرگسال رخ می دهد و شامل به کارگیری یا واداشتن کودک به هرگونه رفتار جنسی یا نمایش رفتارهای جنسی و یا تماس جنسی برای کسب لذت و ارضای میل جنسی می باشد (غدیری، ۱۳۹۶: ۵۵). باید توجه کرد گاهی کودک مورد آزار جنسی کودکان دیگر قرار می گیرد. دوسوم آزارهای جنسی و فیزیکی توسط همسالان است. همسالانی که معمولاً خودشان چنین آزاری را تجربه کردند. ازاینرو این نکته باید در قلمرو پدیده شوم خشونت جنسی علیه کودکان منظور و موردتوجه قرار گیرد (مدنی و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۳).

سازمان جهانی بهداشت خشونت جنسی را به صورت زیر تعریف می کند: هر گونه عمل جنسی، تلاش برای به دست آوردن عمل جنسی، نظرهای ناخواسته یا پیشروی جنسی، یا تجارت جنسی، یا کارهای صورت گرفته دیگری، بر خلاف تمایلات جنسی فرد با استفاده از اجبار، توسط هر فرد بدون در نظر گرفتن رابطه خود با قربانی، در هر محیط، شامل خانه و محل کار اما نه محدود به آن (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۲: ۱۴۹).

با توجه به درجه شدت، خشونت های جنسی، به دو گروه تقسیم می شوند: این خشونت ها، از هتک ناموس که شیوه بسیار شدید در قلمرو خشونت جنسی محسوب می شود تا دیگر شیوه های خشونت جنسی مانند تجاوزات جنسی و تعرضات ساده جنسی را در برمی گیرند. برخی از مصادیق این عمل به شرح ذیل است؛ اغوا نمودن و یا اجبار کودک به وارد شدن در هرگونه رفتار جنسی غیرقانونی، استفاده از بهره کشی از کودک در فحشاء و دیگر رفتارهای جنسی غیرقانونی، استفاده از کودکان در تهیه مطالب هرزه نگاری و... (محمدنسل، ۱۳۹۴: ۵).

**خشونت روانی-عاطفی:** رفتارهایی که نسبت به کودک صورت می گیرد و منجر به ورود آسیب به سلامت و رشد جسمی و روانی، روحی و اخلاقی یا اجتماعی او میگردد یا احتمال بروز چنین آسیب هایی را ایجاد می نمایند، در زمره خشونت روانی قرار می گیرند. این رفتارها باید در حوزه کنترل والدین و یا اشخاصی که مسئولیت و یا اختیار کودک را بر عهده دارند، انجام پذیرد. چنین اقداماتی شامل محدودیت در حرکت، تحقیر کردن، تهدید کردن، ترساندن، تبعیض گذاشتن، یا دیگر آسیب های غیرجسمی از رفتارهای خصمانه و تبعیض آمیز می شود (محمدنسل، ۱۳۹۴: ۵).

#### ۴. مفهوم سیاست جنایی پیشگیرانه

سیاست جنایی عبارت است از مجموعه روش هایی که هیات اجتماع با توسل و به کار بستن آن ها پاسخ های مختلف به پدیده جنایی را سازمان می بخشد (دلماش - مارتی، ترجمه نجفی ابرآباندی، ۱۳۹۶: ۶۹). سیاست جنایی پیشگیری، شاخه ای از سیاست جنایی است که موضوع آن تعیین و پیشنهاد اقدام های کیفری و غیر کیفری به منظور پیشگیری از بزهکاری در جامعه یا یک جمعیت محدود است (زرگری، ۱۳۹۰: ۲۷).

#### سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان

در این بخش به بررسی سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان در دو بخش پیشگیری کیفری (واکنشی) و پیشگیری غیرکیفری (کنشی) پرداخته می شود.

##### ۱. پیشگیری کیفری (واکنشی)

مهم ترین سیاست جنایی پیشگیری کیفری (واکنشی) ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان شامل موارد زیر می باشد:

##### الف - جرم انگاری حمایتی

جرم انگاری حمایتی از کودکان و نوجوانان به دو صورت امکان پذیر است؛ ابتدا، جرم انگاشتن افعال و ترک افعالی که آسیب زا هستند و علیه کودکان ارتکاب می یابند و سپس جرم انگاری عدم گزارش خشونت علیه کودکان و نوجوانان که جهت کشف این جرایم از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

##### الف-۱. جرم انگاری رفتارهای خشونت آمیز نسبت به کودکان و نوجوانان

مطابق قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، برخی از رفتارهای آسیب زا جهت حمایت از کودکان جرم تلقی شده و قابل مجازات است (عباچی، ج ۳، ۱۳۷۹: ۷۹). صدمه و آزار و اذیت و شکنجه روحی و جسمی، نادیده گرفتن عمدی سلامت، بهداشت روانی و جسمی، ممانعت از تحصیل از اقداماتی است که اگر علیه کودک ارتکاب یابد وصف مجرمانه دارد<sup>۳</sup>. مطابق این قانون سایر عنوان مجرمانه عبارتند از: خرید و فروش، بهره کشی و به کارگیری کودکان به منظور ارتکاب اعمال خلاف از قبیل قاچاق. لازم به ذکر است که قانون گذار در سال ۱۳۸۱ با تصویب این قانون واژه کودک آزاری را وارد ادبیات قانونی کرد، ضمن اینکه خرید و فروش و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی کودک به عنوان رفتارهایی که به طور مستقیم موجب آسیب به کودک می شوند، پیشتر سابقه تقنینی نداشته است.

##### الف-۲. جرم انگاری گزارش ندادن جرایم علیه کودکان

جرم انگاشتن عدم گزارش جرم نسبت به کودک توسط اشخاص حقیقی و حقوقی، نوع دیگر از جرم انگاری حمایتی در حوزه سیاست جنایی پیشگیرانه در قبال خشونت علیه کودکان و نوجوانان محسوب می شود. عدم گزارش دهی جرم در بسیاری از نظام های پیشرفته حقوقی در زمره جرائم علیه عدالت قضائی بوده و محدوده آن، تنها شامل جرائم علیه کودکان نیست (کوشا، ۱۳۸۱، ص ۴۳). از این رو، اگر اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی شاهد جرم علیه کودک بوده و یا اطلاعاتی در این زمینه در اختیار دارند و گزارشی از آن به مراجع صالح رسمی و یا غیر رسمی ارائه نکنند، خود به عنوان مجرم تلقی و مجازات برای آنان اعمال خواهد شد.

در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، عدم گزارش موارد جرم علیه کودک، جرم انگاری شده که پیشتر، سابقه تقنینی نداشته است. وفق این قانون، همه اشخاص حقیقی و حقوقی که به نوعی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را بر

<sup>۳</sup> ماده ۴ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱: «هرگونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می گردد».

عهده دارند، به محض مشاهده موارد کودک آزاری مکلف هستند که مراتب را جهت پیگرد قانونی به مقامات صلاحیت دار قضائی اعلام کنند. در غیر اینصورت کیفر حبس و جزای نقدی در انتظار آنان خواهد بود.<sup>۴</sup>

### ب- تشدید مجازات خشونت علیه اطفال

در « لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان» به تشدید مجازات در قبال خشونت علیه اطفال صورت گرفته و در قانون ۹ ماده ای، مصوب ۱۳۸۱ تغییرات اساسی ایجاد کرده است و همچنین لایحه یکی از فصول خود را به جرایم و مجازاتها اختصاص داده است. براساس ماده ۱۱ این قانون هرگاه مرتکب قتل عمد یا ضرب و جرح عمدی کودک و نوجوان باشد و به هر علتی قصاص نشود، علاوه بر پرداخت دیه طبق مقررات، حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. بر اساس تبصره ماده مذکور این ماده هرگاه سوءرفتار نسبت به کودک و نوجوان، مشمول عنوان تعدد یا تکرار قرار گیرد، مرتکب حسب مورد به حداکثر مجازات قانونی محکوم خواهد شد.

ماده ۱۳ هرگونه سوء رفتار نسبت به کودکان را که مشمول مواد ۱۰ و ۱۱ قرار نگیرد و مطابق این قانون مشمول مجازات شدیدتری نباشد، جرم محسوب و یک تا سه سال حبس برای آن تعیین کرده است. بر اساس تبصره چنان که سوءرفتار به صورت مکرر یا مستمر توسط هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی و سایرین اعمال شود مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

تدوین کنندگان این لایحه و تصویب کنندگان آن در جلسه مسؤلان عالی قضایی تلاش کرده اند، تا ضمن تعریف سوءرفتار یا همان آزار کودکان و بیان مصادیقی از آن رویه قضایی را در استناد به این قانون یاری رسانند. تعریف ذکر شده برای سوءرفتار نیز در عین پایبندی به اصول جرم انگاری در حوزه رفتارهای آسیب زا به کودکان یعنی موسع و گسترده بودن عناوین مجرمانه تلاش کرده است تا به ظرفیتهای نظام حقوقی و قضایی نیز توجه کند. در ضمن برخلاف ماده ۴ قانون حمایت از کودکان، مجازات تعیین شده برای سوءرفتار افزایش یافته است. عبارت شکنجه جسمی و روحی مذکور در ماده ۴ حذف به جای آن ارتکاب سوءرفتار به صورت مکرر یا مستمر مستوجب حداکثر مجازات تعیینی برای سوءرفتار شده است که با اصول حمایت کیفری از کودکان در برابر بزه دیدگی یعنی حمایت کیفری بیشتر از آنها مطابقت دارد (زینالی، ۱۳۹۴: ۲۸۸-۲۸۷).

لایحه جدید حمایت از حقوق کودکان و نوجوانان، که سال هاست در انتظار تصویب مجلس باقی مانده است، از یک طرف به طور ویژه به جنبه های فرهنگی و اجتماعی که در پیشگیری از خشونت علیه اطفال مؤثرند می پردازد، و از طرف دیگر، برخلاف قانون فعلی، اختیارات گسترده ای برای مراجع غیرقضایی یعنی سازمان بهزیستی و نیز سازمانهای غیردولتی که در حوزه کودکان فعال هستند، در نظر گرفته است. طبیعتاً این مسأله، در پیشگیری از خشونت علیه کودکان و حمایت از کودکان آسیب دیده، بسیار تأثیرگذار است. در این لایحه، همچنین ضمانت های اجرایی برخورد با خشونت علیه کودکان هم تشدید شده و به علاوه تأسیس یک دادگاه اختصاصی با کارشناسان ویژه برای رسیدگی به جرایم خشونت علیه اطفال در نظر گرفته شده است. براساس قانون فعلی، به جرایم علیه کودکان، در دادگاه عمومی رسیدگی می شود و هیچ اجباری نیست که این پرونده ها به دادگاه اطفال برود. این در حالی است که بسیاری از قضات دادگاه های عمومی، حتی نام قانون حمایت از کودکان و نوجوانان هم به گوش شان نخورده است و حساسیت های لازم را برای تعیین مجازات ها ندارند، اما قضات دادگاه های اطفال، آشنایی بیشتری با حقوق کودکان و قوانین مرتبط با آنها دارند. به عنوان یک مثال دیگر، در قانون فعلی حمایت از کودکان و نوجوانان، همه افراد مجازند خشونت علیه اطفال را گزارش کنند. اما در لایحه جدید در نوبت ماندهای که از طرف قوه قضاییه ارائه شده، افراد ملزم به گزارش خشونت علیه اطفال شده اند، یعنی وظیفه قانونی بر دوش افراد گذاشته شده است و حتی به خود کودکان هم این حق داده شده است که این موارد را گزارش کنند (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۸).

<sup>۴</sup> ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسؤولیت نگاهداری و سرپرستی کودکان را بر عهده دارند مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضائی اعلام نمایند تخلف از این تکلیف موجب حبس تا شش ماه یا جزای نقدی تا پنج میلیون (۵۰۰۰۰۰۰) ریال خواهد بود».

**ج- بازپژوهشی در موضوع تأدیب کودکان در قانون مجازات اسلامی**

تنبیه کودک ممکن است به صورت ندادن غذا و محبوس کردن موقت در اتاق خاص و ایراد ضرب و شتمات و مانند اینها باشد. ولی در همه این موارد باید از خشونت و انتقام جویی پرهیز شود و اقدام پدر و مادر با نوعی ملامت و انعطاف که لازمه امور تربیتی است همراه باشد (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۱۹). برخی از دکترین حقوق؛ در مبحث حضانت در بحث از حق تنبیه طفل عنوان مینمایند: حق تربیت طفل متضمن اختیار در تنبیه او است. قانونگذار نمیتواند حدود اختیار پدر و مادر را به دقت معین سازد و مرز مباح را رسم کند. پس ناچار بایستی از عرف یاری بگیرد و انگیزه «تأدیب» را شرط لازم برای اباحه هرگونه تنبیه قرار دهد (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۳۸۸).

مطابق ماده ۳۰۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، در صورتی که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه باشد، قصاص ثابت نمی شود. این ماده تکرار ماده ۲۲۰ در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ می باشد. اما چه بسیارند پدرها یا اجداد پدری که بدون رعایت مصلحت و حتی به منظور از بین بردن مصالح کودک اقدام به قتل وی می کنند. در مورد انگیزه تربیت نیز باید گفت که در سال های اخیر ما شاهد مواردی از خشونت به اطفال بودهایم که کودک در سنین بسیار پایینی قرار داشته و بسیار آسیب پذیر بوده است. بنابراین عنوان نمودن بحث انگیزه تربیت در مورد این کودکان که گاهی کمتر از یکسال نیز سن دارند، بحثی بیهوده می باشد. از طرفی بسیاری از موارد خشونت علیه کودکان در پس مصرف مواد مخدر توسط از والدین صورت گرفته است که باز هم بحث تنبیه و تربیت را منتفی مینماید. لذا تجدیدنظر در مواد قانونی مربوطه، لازمه اتخاذ تدابیر لازم برای پیشگیری کیفری می باشد. مطابق بند ت ماده ۱۵۹ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲، «اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد»، قابل مجازات قابل مجازات نیست.

**د- پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در دادرسی کیفری**

وقتی مطالعات نوین جرم شناختی، دادرسی افتراقی برای نوجوانان را الزام کرده است، تشکیل پلیسی کارآزموده برای نیل به اهداف این نحوه دادرسی کاملاً ضروری جلوه می کند. زیرا پلیس، اولین مقام رسمی است که با اطفال و نوجوانان بزه کار و یا حتی بزه دیده برخورد می کند. برای پیشگیری از آسیب بیشتر و همچنین گامی در راستای اصلاح و تربیت، این برخورد باید به طور تخصصی صورت گیرد. بر همین مبنا، قانون گذار در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ضمن به رسمیت شناختن تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، هدف از تشکیل آن را حسن اجرای وظایف ضابطان در امور اطفال و نوجوانان بیان نموده است.

**۲. پیشگیری غیر کیفری (کنشی)**

در مدل نوین جرم شناسی پیش گیری، تقسیم بندی پیشگیری به پیشگیری وضعی و پیش گیری اجتماعی می باشد.

**الف- پیشگیری وضعی**

اقدام های وضعی پیشگیرانه، ناظر بر اوضاع و احوال و شرایطی هستند که مجرم را در آستانه ی ارتکاب جرم قرار می دهد. این اوضاع و احوال که در جرم شناسی، وضعیت های ماقبل بزهکاری یا وضعیت های پیش جنایی نام دارد فرآیند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه را تحریک یا تسهیل کرده و نقش مهمی در آن ایفاء می کند (خسروشاهی و منصور، ۱۳۸۹: ۵۹).

**الف-۱. ایجاد خط تلفنی ویژه برای اعلام خشونت علیه اطفال**

منظور اعلام موارد خشونت علیه اطفال، باید خطوط تلفنی ویژه ای در نظر گرفته شود که ۲۴ ساعت پاسخگوی افراد باشند و این گزارش ها بدون ذکر نام اعلام کننده و یا با اعلام نام به صورت محرمانه، نیز باید مورد رسیدگی قرار گیرند؛ در حال حاضر نیز شماره تلفن ۱۲۳ به عنوان خط ویژه گزارش خشونت علیه اطفال در تهران و چند شهر بزرگ کشور می باشد. پس از دریافت گزارش توسط مشاورین این خط، مددکاران مربوطه برای پیگیری گزارش ها به محل اعزام می شوند و در صورت صحت موارد گزارش شده اقدامات مقتضی را به عمل می آورند.

**الف-۲. شرکت والدین دارای سابقه سبکه رفتارهای خشونت آمیز با کودکان در کلاس های آموزشی**

پس از برخوردهای قانونی لازم با افرادی که اطفال را مورد خشونت قرار داده‌اند؛ این افراد نباید به حال خود رها شوند، بلکه باید تحت نظارت و کنترل توسط مددکاران اجتماعی قرار گیرند. در راستای اصلاح الگوهای رفتاری افراد آزارگر لازم است این افراد تحت آموزش قرار گیرند. برنامه جامع توانمندسازی خانواده<sup>۵</sup> که توسط موسسه ملی سوء مصرف مواد مخدر<sup>۶</sup> در امریکا برگزار می شود را میتوان به عنوان الگویی برای طرح ریزی برگزاری کلاس های آموزشی برای والدینی که رفتارهای خشونت آمیز با کودکان دارند، مورد مطالعه قرار داد. این برنامه که به صورت ۱۴ جلسه پی در پی هفتگی و هر جلسه به مدت دو ساعت برگزار می شود به ترتیب در جلسات ۱۴ گانه درباره چگونگی الگوپذیری کودکان از رفتار والدین، تئوری یادگیری و اصلاح رفتار نابهنجار کودکان، آموزش مراقبت و نظارت والدین بر رفتار فرزندان، تفهیم مراحل مختلف رشد جسمی - روانی، اجتماعی و عاطفی کودک و متناسب نمودن انتظارات والدین براساس توانایی های کودک، تکنیک های افزایش عزت نفس کودک و بکارگیری تشویق و پاداش های مادی و غیر مادی در تقویت رفتارهای مثبت، آموزش رفتار کلامی و عملی مثبت با کودکان، آموزش برقراری ارتباط با کودکان، آموزش نحوه برخورد والدین با مشکل مواد مخدر و الکل، آموزش مهارت های حل مسئله و ارائه راه حل، چگونگی وضع و اجرای مقررات توسط والدین و ضمانت اجرای نقض مقررات، تمرین برنامه های رفتاری مشخص با کودکان به والدین آموزش داده می شود (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۲).

**الف-۳. الزام معلمین و پرستاران به گزارش خشونت علیه اطفال**

الزام به گزارش موارد خشونت علیه کودکان به عنوان یکی از اقدامات حمایتی، مطرح میگردد. برخی مواقع، افراد با این تصور اینکه خشونت علیه اطفال یک مسأله خصوصی خانوادگی است، اقدامی در جهت گزارش و اعلام موارد مشاهده شده در این زمینه نخواهند کرد. در حالی که این گونه نیست و تک تک افراد جامعه باید خود را موظف به گزارش این موارد بدانند. در صورتی که با وجود دلایل معقولی، این ظن برای شخص ایجاد شود که کودکی مورد خشونت قرار گرفته، باید سریعاً این مسأله را به مراکز مربوطه گزارش دهد (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۲).

با الزامی شدن اعلام موارد خشونت علیه کودکان، در صورت قصور در انجام این وظیفه، باید مجازات هایی پیش بینی گردد. به عنوان مثال، جزای نقدی به عنوان ضمانت اجرای عدم گزارش موارد خشونت علیه اطفال در مورد افرادی که به نحوی با کودکان در ارتباط هستند. (مانند پزشکان، معلمین، افراد خانواده و سایر افرادی که وظیفه مراقبت از کودک را بر عهده دارند)، در نظر گرفته شود. حبس های کوتاه مدت و یا حبس بدل از جزای نقدی نیز میتواند به عنوان ضمانت اجرا در نظر گرفته شود (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۳).

**ب- پیشگیری اجتماعی**

از میان انواع رویکردهای پیشگیری از جرم، گونه ی پیشگیری اجتماعی که از طریق توسعه ی شاخصه های اجتماعی و ارتقاء وضعیت رفاه و بهبود کیفیت زندگی افراد جامعه صورت می پذیرد، جایگاه ویژه ای در میان پژوهش های جرم شناختی و سیاستگذاری های جنایی یافته است (دارابی، ۱۳۹۵: ۱۱۷).

**ب-۱. آموزش والدین در مورد تبعات خشونت علیه اطفال**

شکل گیری رفتارهای ضد اجتماعی و اختلال در ارتباط کودک با دیگران؛ بیزاری، بیگانگی و گوشه گیری، افسردگی، اضطراب، عدم احترام به خود و احساس بیارزش بودن؛ خودزنی، گرایش به خودکشی، سوء مصرف مواد مخدر در سطح وسیع، ایجاد تغییرات جدی در اشتها؛ بروز مشکلات در مدرسه و محل کار، اختلال در مسایل جنسی؛ بی نظمی های آشکار، فحشاء (به ویژه وقتی سوء استفاده از نوع جنسی بوده است)؛ کابوس دیدن در خواب؛ شب ادراری، مرگ کودک یا مرگ فرد کودک آزار در صورتی که کودک با او به مبارزه برخاسته باشد، دیگر آزاری، ادامه چرخه کودک آزاری؛ اینها تنها بخشی از مضرات خشونت علیه کودکان هستند.

5 - SFP

6 - NIDA



اگر خانواده‌ها از این مضرات آگاهی پیدا کنند امکان بازنگری در رفتار خود وجود خواهد داشت. زیرا شاید بسیاری از خانواده‌ها به علت عدم آگاهی از عواقب رفتار خود دست به خشونت علیه کودکان خود می‌زنند (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۴).

### ب-۲. آموزش رسانه‌های در مورد ضرورت اجتناب از خشونت علیه اطفال

معرفی نقض کنندگان هنجارهای اجتماعی و مجرمان و انتشار اخبار مربوط به مجازات آنان به طور مستقیم و با نشان دادن عاقبت رفتار نابهنجار و بزهکار در قالب برنامه‌های نمایشی و از سوی دیگر معرفی چهره‌های برجسته و مقبول در زمینه رعایت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، افراد را در زمینه رعایت هنجارهای اجتماعی هدایت می‌کند (مهدوی، ۱۳۹۸: ۳۴۳). تهیه و پخش برنامه‌های مستند راجع به خشونت علیه اطفال و عواقب آن و بررسی کارشناسانه محتوای برنامه، می‌تواند تلنگری باشد برای تمامی افرادی که به صورت آگاهانه و یا با عدم آگاهی اقدام به خشونت علیه کودکان می‌نمایند. انعکاس تجربیات و دردهای روحی و روانی افرادی که در گذشته مورد آزار قرار گرفته‌اند، تقبیح خشونت در قبال اطفال از منظر شرع مقدس اسلام در قالب برنامه‌های دینی و ضرورت اجتناب از رفتارهای آسیب‌رسان نسبت به کودکان می‌تواند از راه‌های مهم در بستر پیشگیری اجتماعی از پدیده خشونت علیه اطفال در خانواده‌ها باشد (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۶).

### ب-۳. آموزش والدین از طریق ظرفیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد

در کنار نظام کیفری، عدم استفاده از بالقوه سایر اجزای جامعه‌ی دولتی و رسمی نه تنها در مبارزه‌ی کیفری با جرم، بلکه در پیشگیری از جرم، که جزو رسالت کل جامعه در قالب همبستگی دولت و مردم است، کارآیی نظام کیفری را محدود و در نهایت، به کنترل ناکارآمد بزهکار و بزهکاران منجر می‌شود (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۴: ۲۶۸)؛ افزون بر این‌ها از آن‌جا که یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی نظام‌های کیفری که در پرتو اصول مدرن و مکاتب نوین حقوق کیفری در دهه‌های اخیر تحول یافته‌اند، مشارکت جامعه‌ی مدنی نظیر سازمانهای مردم‌نهاد در فرآیند کیفری و نیز در پیشگیری از جرم؛ یکی از آثار آن است (بیرانوند و سبزیان فرد، ۱۳۹۷: ۶).

براساس تجربه صاحب‌نظران، عدم اطلاع والدین در مورد الگوهای صحیح تربیتی، من جمله علل خشونت علیه کودکان شناخته شده است. این مورد به خصوص در میان والدین جوان دیده می‌شود. اگر این والدین آگاهی پیدا کنند که تنبیه و خشونت جسمی و روانی چه مضراتی برای کودک دارد و به جای این راه‌ها می‌توانند از راه‌ها و روش‌های دیگری که نه تنها برای کودک مضر نیستند بلکه به رشد شخصیتی کودک کمک نیز می‌نمایند، استفاده کنند، شاهد حذف خشونت‌هایی که ناشی از عدم آگاهی از راه‌های صحیح تربیتی خواهیم بود. این آموزش می‌تواند به عنوان آموزش اجباری برای زوجینی که قصد داشتن فرزند را دارند در نظر گرفته شود تا با اطلاع یافتن از نقش والدین، در صورتی که آمادگی پذیرش این نقش را ندارند، اقدام به بچه‌دار شدن نمایند. آموزش در مهد کودک‌ها و مدارس ابتدایی نیز می‌تواند تأثیر به‌سزایی در آگاهی یافتن والدین داشته باشد (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۶).

### ب-۴. زوج درمانی والدینی که کودکانشان را مورد خشونت قرار میدهند

در زمینه مداخلاتی که والدین را مورد هدف قرار داده‌اند یعنی رویکردهای زوج‌درمانی، اطلاعات؛ بسیار اندک است. ولی زوج‌درمانی در کاهش مشکلات روان‌شناختی و استرس مؤثر می‌باشد. چون بسیاری از والدینی که مسبب به اطفالشان خشونت می‌کنند؛ از لحاظ اجتماعی منزوی‌اند. پژوهش‌گران، توسعه شبکه‌های روابط اجتماعی و مشارکت دادن این والدین چنین شبکه‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند. این شبکه‌ها می‌توانند گردهم‌آیی دوستان، تماس با انجمنها را شامل شوند. تماس‌های اجتماعی بستگی به نیازهای خانوادگی دارد ولی می‌تواند از خطوط تلفن بحرانی، تا گروه‌های حمایتی و کلاس‌های آموزشی را شامل شود. برنامه‌های بازدید از منازل، یک شیوه حمایتی دیگر از والدین است. چنین دیدارهایی، اطلاعاتی در مورد رشد کودک و نحوه اداره او در اختیار والدین قرار می‌دهد. علاوه بر کمک‌های فوق‌معلوم شده است؛ خانواده‌هایی که نسبت اطفال خشونت می‌کنند؛ غالباً برای دستیابی به غذا، سرپناه و... به کمک و همیاری دیگران نیاز دارند. متأسفانه به مسأله فقر توجه نمی‌شود و خدماتی در این زمینه وجود ندارد؛ آموزش شغلی و فراهم‌سازی، شغل مناسب می‌تواند بخشی از خدماتی باشد که به والدین آنان ارائه می‌شود (مهدوی ثابت و عبداللهی، ۱۳۹۸: ۲۷).

## ب-۵. تأمین اوضاع اقتصادی خانواده

آثار شدید و غیر قابل انکار فقر بر کارکردهای مختلف رشدی، جامعه پذیری و کنترلی خانواده توجه به بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده را از اهمیت فوق العاده برخوردار می کند. محققان و پژوهشگران دریافته اند که موقعیت های متفاوت اقتصادی، اجتماعی خانواده ها موجب تفاوت های معناداری در کارکردهای خانواده و کفایت والدین گردیده است (مهدهوی، ۱۳۹۸: ۵۸)؛ کودکان در خانواده هایی که تحت فشار شدید فقر قرار دارند کمتر تحت مراقبت، تشویق و رفتارهای عاطفی قرار می گیرند و احتمال بروز رفتارهای خشونت آمیز نسبت به آنها بیشتر بوده و این امر تعلق کودک به خانواده را از بین برده و فرآیند رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی کودک را مختل می کند.

## نتیجه

در حقوق کیفری ایران، صریح ترین قانونی که در تقابل با پدیده کودک آزاری و خشونت علیه کودکان و نوجوانان به تصویب رسیده، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ است که در برگیرنده کودکان زیر ۱۸ سال نیز می باشد. به عنوان مثال ماده ۲ قانون حمایت از کودکان مقرر می دارد: «هر نوع اذیت و آزار کودکان و نوجوانان که موجب شود له آنان صدمه جسمانی یا روانی و اخلاقی وارد شود و سلامت جسم یا روان آنان را به مخاطره بیندازد ممنوع است». پیش از این در قوانین، صدمات روانی جرم تلقی نمی شده است، لکن این قانون در جهت حمایت از کودکان و نوجوانان، صدمات روانی را نیز جرم تلقی نموده است. بنابراین، این ماده در برگیرنده جرایم ناشی از کودک آزاری جسمی ناشی از آزار و نیز کودک آزاری روانی می شود. هر چند این قانون داری خلأهایی است که لایحه قانون حمایت از کودکان تا حدودی این خلأها را رفع کرده است. مطابق با بررسی های انجام شده در پژوهش حاضر، می توان چنین نتیجه گیری کرد که اقدامات مقنن در پیشگیری از خشونت علیه اطفال در سیاست جنایی ایران؛ عمدتاً ناظر به پیشگیری کیفری بوده است؛ قانونگذار البته به صورت پراکنده و غیر منسجم در حوزه های مختلف اقدام به جرم انگاری کرده و مصادیق مختلفی از خشونت علیه کودکان را مورد مجازات قرار داده است. در کنار سازوکارهای تقنینی و کیفری، اقدامات غیرکیفری نیز از اهمیت زیادی برخوردارند، چرا که تدوین قوانین و مقررات و اعمال مجازات ها به تنهایی به عنوان یک سیاست پیشگیمانه در رابطه با حقوق کودک موثر نخواهد بود. در لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان در مواد متعدد به همکاری مراجع خدماتی، حقوقی، روانشناسی و مددکاری اجتماعی و ... جهت حمایت و پیشگیری از کودک آزاری اشاره شده است. همچنین قانون گذار برای پیشگیری از آسیب های اجتماعی که کودک آزاری یکی از این موارد است با تدوین قوانین و آئین نامه هایی به موضوع حمایت از کودکان و نوجوانان پرداخته است که این امر نشان از این واقعیت دارد که سیاست جنایی ایران در قبال خشونت علیه اطفال و نوجوانان سیاستی حمایتی- پیشگیرانه است. با این حال، در خصوص پیشگیری غیرکیفری، اقدامات مقنن چندان گسترده و روشن و مشخص نیست؛ تا جایی که میتوان ادعا کرد در حوزه ی پیشگیری از خشونت علیه اطفال، سیاست جنایی تقنینی ما فاقد یک رویکرد منسجم، هماهنگ و مبتنی بر واقعیت های جرم شناختی و جامعه شناسی کیفری است. آن چه بیش از پیش ضرورت آن احساس می شود، انجام تغییرات و اصلاحات اساسی در حوزه قانونگذاری به منظور اتخاذ یک سیاست جنایی پیشگیرانه هماهنگ، منسجم و افتراقی در راستای جلوگیری از خشونت های جنسی؛ جسمی و روانی اطفال بزه دیده است؛ براین اساس، به منظور تدوین یک سیاست جنایی جامع و کارآمد که بتواند طیف گسترده کودکان و نوجوانان بزه دیده، شاهد جرم، در معرض خطر را شامل شود، دست اندرکاران سیاست جنایی کشور، باید با بهره گیری از سازمان های غیر دولتی، در مرحله ی اول، برنامه ای مدرن در پیشگیری غیرکیفری از بزه دیدگی را ساماندهی کنند و از طریق این برنامه ریزی حداقل رفاه را در تأمین نیازهای ضروری کلیه آحاد جامعه از جمله کودکان و نوجوانان فراهم نمایند؛ سپس با عنایت ویژه به اقشار آسیب پذیر اجتماعی که مصداق بارز آنان کودکان و نوجوانان در معرض خطر، قربانی و شاهد جرم هستند، با برنامه ریزی اصولی اقدامات مؤثری برای جلوگیری از سقوط ایشان در ورطه بزهکاری با رویکرد سیاست جنایی پیشگیرانه اقدام نمایند.

## منابع

- بیات، بهرام، شرافتی پور، جعفر و عبدی، نرگس. (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، تهران: معاونت اجتماعی ناجا
- بیرانوند، رضا و سبزیان فرد، شهرام. (۱۳۹۷). جایگاه جامعه مدنی در حقوق کیفری با تأکید بر سیاست جنایی مشارکتی ایران، فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل، سال یازدهم، شماره ۳۹
- پورناجی، بنفشه. (۱۳۷۹). مرگ خاموش، نگاهی به پدیده کودک آزاری، تهران: همشهری، چاپ اول
- خسروشاهی، قدرت الله و منصور، حیدر. (۱۳۸۹). پیشگیری زودرس از بزهکاری با رویکرد خانواده مدار، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، سال پنجم، شماره ۱۶
- دارابی، شهرداد. (۱۳۹۷). پیشگیری از جرم در مدل مردم سالار سیاست جنایی، تهران: میزان، چاپ دوم
- دلما- مارتی، میری. (۱۳۹۵). نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه، نجفی ابرند آبادی، علی حسین، تهران: میزان، چاپ سوم
- زرگری، سید مهدی. (۱۳۹۰). پیشگیری از بزهکاری، تهران: انتشارات نگاه بینه
- زینالی، امیرحمزه. (۱۳۹۴). جهانی شدن حقوق کیفری: در قلمرو حمایت از کودکان در برابر بزه دیدگی، تهران: میزان، چاپ اول.
- شعبانی، اسدالله. (۱۳۶۹). سلسله مقالات تحقیقی یونسکو درباره کودکان جهان، ترجمه الهه ضرغام و پری موسوی، تهران: انتشارات خانه فرهنگی فردا
- عباچی، مریم. (۱۳۷۹). حمایت از کودکان در قبال مصرف مواد مخدر و قاچاق، همیش بین المللی علمی-کاربردی جنبه های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات برگزیده، جلد سوم، انتشارات روزنامه رسمی
- عباچی، مریم. (۱۳۸۳). پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی کودکان، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۷، صص ۴۹-۸۶
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). حقوق مدنی، خانواده، تهران: انتشارات میزان، چاپ هفتم
- کوشا، جعفر. (۱۳۸۱). جرایم علیه عدالت قضائی، تهران: میزان
- لازرژ، کرسستین. (۱۳۹۶). درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه: دکتر علی حسین نجفی ابرآبادی، تهران: میزان، چاپ ششم
- محمدنسل، غلامرضا و محمدنسل، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی علل شکل گیری چرخه کودک آزاری (با تأکید بر نظر کارشناسان)، مجله پلیس زن، شماره ۲۲
- مدنی، سعید؛ جلیلی، بهروز و عبادی، شیرین. (۱۳۸۴). کودک آزاری در ایران، تهران: اکنون، چاپ اول
- معین، محمد. (۱۳۸۹). فرهنگ معین، تهران، انتشارات بهزاد
- مهدوی ثابت، محمد علی و عبداللهی، سامان. (۱۳۹۸). سیاست جنایی پیشگیرانه ایران در قبال خشونت علیه اطفال، فصلنامه علمی مطالعات پیشگیری از جرم سال چهاردهم، شماره ۵۱، صص ۳۳-۹
- مهدوی، محمود. (۱۳۹۸). پیشگیری از جرم (پیشگیری رشدمدار)، تهران: سمت، چاپ چهارم
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۷۸). پیشگیری از بزهکاری و پلیس محلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۵ و ۲۶، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۴). سیاست جنایی، در علوم جنایی، مجموعه مقالات، جلد دوم، تهران: سلسبیل.

- نورالدین، سهیلا. (۱۳۸۶). ارزیابی پاسخهای نظام عدالت کیفری به خشونت خانگی علیه زنان در ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس.
- نیازپور، امیرحسین. (۱۳۸۳). حقوق پیش گیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸ و ۴۹، صص ۱۶۹-۲۲۶
- World Health Organization. , **World report on violence and health** (Geneva: World Health Organization, 2002